

بررسی فقه الحدیثی حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه در مورد شر بودن زنان

مریم احمدی^۱

چکیده

امیرالمومنین ع در حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه «الْمَرْأَةُ شَرٌّ كُلُّهَا، وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا»^۲ به شر بودن زن و گریزناپذیری آن اشاره می‌کند. با توجه به تعارض ظاهری این حدیث با چندین روایت در باب خیر بودن زن، تحقیق حاضر به بررسی فقه الحدیثی این روایت جهت فهم دقیق مقصود امیرالمومنین ع پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش پردازش اطلاعات توصیفی و تحلیلی است. به این منظور ابتدا متن اصلی حدیث از مصادر اولیه فریقین استخراج شد و سپس بررسی محتوایی در دو مرحله «فهم متن» و «فهم مقصود» صورت گرفته است. این حدیث علاوه بر نهج البلاغه در بعضی منابع حدیثی شیعه به نقل از نهج البلاغه آمده است و با تفاوت اندکی نسبت به نهج البلاغه در برخی از کتب روایی اهل سنت از لسان پیامبر اکرم ص و در برخی از زبان امیرالمومنین ع یافت شد. با توجه به زمان تدوین مصادر مذکور، متن این حکمت در منابع قبل از نهج البلاغه در حد احصای تحقیق حاضر به دست نیامد. در این حدیث مفردات در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و به عقیده برخی الف و لام در المرأه با توجه به شواهد و قرائن، احتمال اینکه الف و لام عهد باشد بیشتر است. توجه به متعلق شر و اینکه زن برای چه کسانی شر است در فهم روایت مذکور راه گشاست. با تشکیل خانواده حدیث و بررسی قرائن مشخص شد که شر بودن ارتباطی با جنسیت افراد ندارد و هم زنان و هم مردان می‌توانند شر باشند و در وجود زن اقتضای خیر کثیر و شر کثیر به ودیعه نهاده شده است و این اراده و اختیار است که جایگاه نهایی زن را مشخص می‌کند.

کلیدواژه‌ها

فقه الحدیث، نهج البلاغه، حکمت ۲۳۸، الْمَرْأَةُ (زن)، شر

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها، maryamahmadi9092@gmail.com

۲. و فرمود (ع): زن همه‌اش بدی است و بدترین چیزی که در اوست این است که از او چاره‌ای نیست. (ترجمه آیتی)

مقدمه

فقه الحدیث، ترکیبی است از معنای لغوی فقه به معنای فهم عمیق و دقیق، و معنای اصطلاحی حدیث که به حکایت سخن، رفتار و تقریر معصوم اشاره دارد، و منظور از آن، فهم درست و ژرف از گفتار و کردار معصومان است.^۱ فقه الحدیث دانشی است که به بررسی متن حدیث می‌پردازد و با ارائه مبانی و سیر منطقی فهم آن ما را به مقصود اصلی گوینده حدیث نزدیک می‌کند.^۲

نهج البلاغه، کتابی در برگیرنده برگزیده‌ای از سخنان امیرالمومنین ع است که در قرن چهارم هجری قمری توسط سید رضی (ره) در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها تالیف شده است.

حکمت ۲۳۸، امیرالمومنین ع در این حکمت می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا، وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا».^۳

امیرالمومنین ع در این حکمت به شر بودن زن و گریزناپذیری آن اشاره کرده است. این در حالی است پیامبر اکرم ص در موارد متعدد زن را محبوب معرفی می‌کند.^۴

افزون بر این، قرآن مجید برخی زنان را الگو معرفی کرده است؛^۵

از آنجا که طبق حدیث ثقلین تمسک به قرآن و عترت موجب هدایت بشر است لذا نباید تعارضی در آن‌ها وجود داشته باشد. ما راه و روش زندگی صحیح و رسیدن به سعادت را از کلام معصومین دریافت می‌کنیم و فهم دقیق سخنان ایشان اهمیت بسیاری دارد؛ به همین دلیل در مواقعی که ظاهر احادیث با یکدیگر در تضاد و تعارض است، رفع این تعارض و فهم صحیح کلام معصوم ضرورت دارد.

ضمناً در عصر حاضر زن و امور مربوط به زنان مانند جایگاه زن، نگاه به زن، حقوق زن، احکام زن و ... از مسائل بسیار مهم و چالش برانگیز است و اگر این امور به خوبی تبیین نشود دستاویز سوء استفاده مخالفان و خصم قرار خواهد گرفت.

۱. مسعودی، درسنامه فقه الحدیث، ص ۱۴

۲. همان، ص ۱۶

۳. و فرمود (ع): زن همه‌اش بدی است و بدترین چیزی که در اوست این است که از او چاره‌ای نیست. (ترجمه آیتی)

۴. حدیث معروف رسول اکرم ص که می‌فرمود: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ: النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛

سه چیز از دنیای شما محبوب من است: بوی خوش و زنان و نور چشمانم نماز است» شاهد گویای این مطلب است.

۵. وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِّنْ أَلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ

(التحریم: ۱۱ و ۱۲)

تحقیق حاضر در صدد رفع تعارض اولیه این حدیث و دستیابی به مفهوم و مقصود اصلی آن است تا مشخص شود آیا نگاه دین به زن و احادیث معصومان ع نگاه تحقیرآمیز است؟ آیا متن حدیث همین عبارت است یا احتمال تحریف و تصحیف و ... وجود دارد؟ منظور و مقصود امیرالمومنین ع از شرّ بودن زنان چیست؟ آیا کلام آن حضرت اطلاق دارد و تمامی زنان شرّ هستند؟ آیا آیات قرآن و سایر احادیث از این مفهوم پشتیبانی می‌کند؟ آیا این کلام قطعاً از لسان امیرالمومنین ع صادر شده است و یا فقط صرفاً به آن حضرت منسوب می‌باشد؟ آیا این کلام حدیث محسوب می‌شود و یا ضرب‌المثل می‌باشد؟

در مقاله «بررسی سندی و محتوایی حدیث «الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا»»^۱ نویسنده بعد از بیان تاریخچه مفصلی از جایگاه زن در ادیان و ملل در دو بخش سندی و محتوایی به بررسی حدیث می‌پردازد. در بخش سندی «منابع شیعه» و «اهل سنت» بررسی شده است. در بخش محتوایی نیز «از دیدگاه مترجمان و شارحان»، «عرضه بر قرآن» و «نسبت‌سنجی با سایر روایات» به بحث در مورد متن حدیث پرداخته است. پایان نامه «تحلیل و بررسی شخصیت زن در سیره و سخن امام علی ع»^۲ و همچنین پایان نامه «جایگاه زنان در قرآن کریم و نهج البلاغه»^۳ نویسندگان در نگاهی جامع به بررسی احادیث مربوط به زن در نهج البلاغه پرداخته‌اند و در کنار کلمات و احادیث دیگر نهج البلاغه حکمت ۲۳۸ نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب «زن در نهج البلاغه»^۴ و کتاب «شبهات زن در نهج البلاغه و پاسخ به آن»^۵ نیز حکمت ۲۳۸ مورد توجه قرار گرفته است و صفحاتی از این دو کتاب را به خود اختصاص داده است. در تمام موارد فوق حکمت ۲۳۸ مورد بررسی و نقد قرار گرفته است اما فقدان نگاه جامع فقه الحدیثی به این روایت کاملاً مشهود است. مقاله پیش رو ضمن بهره‌گیری از آثار فوق، درصدد است طبق اصول حاکم بر دانش فقه الحدیث با نگاه جامعی به بررسی این روایت بپردازد.

بررسی مصادر حدیث

جهت اعتبارسنجی حدیث، ابتدا روایت از مصادر اصلی آن استخراج می‌شود. این حدیث نخستین بار توسط سید رضی (م. ۴۰۶ ق) در حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه آورده شده است. لیثی واسطی (م. قرن ۶) در عیون الحکم و المواعظ این حدیث را آورده و پس از نقل حدیث، صدور و نقل آن را از امیرالمومنین

۱. ممدلی و پیربا، فصلنامه علمی علوم حدیث سال بیست و ششم شماره، ۴ پیاپی ۱۰۲ زمستان، ص ۱۱۵ - ۹

۲. پدیدآور: مژگان براتی استاد راهنما: احمد عابدی استاد مشاور: علیرضا هزار دانشکده اصول الدین

۳. پدیدآور: حوراء عبد الحسین کاظم العنکوشی استاد راهنما: مهدی الحسینی دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان

۴. نصرت الله حمالی، ناشر: مهدیه

۵. نیره فضائی، ناشر: چاپ و نشر بین الملل

ع رد می‌کند و می‌نویسد:

این سخن از او نیامده است و با آنچه در گفتار و رفتار او در این زمینه ثابت شده است منافات دارد.^۱ همچنین طبرسی (م. ۵۴۸ق) در کتاب مجمع البیان^۲، تمیمی آمدی (م. ۵۵۰ق) در غرر الحکم و درر الکلم^۳ به صورت مرسل این حدیث را نقل کرده‌اند. مجلسی (م. ۱۱۱۰ق) نیز در بحارالانوار^۴ این حدیث را به نقل از نهج البلاغه آورده است.

لازم به ذکر است در تمامی این منابع حدیث به صورت مرسل آمده و فاقد سلسله سند می‌باشد. این روایت، با تفاوت اندکی نسبت به نهج البلاغه در برخی کتب روایی اهل سنت از لسان پیامبر اکرم ص و در برخی نیز از زبان امیرالمومنین ع نقل شده است. أبوسعید الآبی (م. ۴۲۲ق) در کتاب نثر الدر فی المحاضرات از لسان حضرت محمد ص نقل کرده است: النساء شرّ کلهن، و شر ما فیهن أن لا استغناء عنه.^۵ راغب اصفهانی (م. ۵۰۲ق) نیز این روایت را با تفاوت اندکی در متن از زبان پیامبر اکرم ص آورده است:

النساء شرّ کلهن، و شر ما فیهن قله الاستغناء عنهن.^۶

زمخشری (م. ۵۳۸ق) دقیقاً همین عبارات را از زبان امیرالمومنین ع روایت کرده است.^۷ این عبارت با اندک تغییری توسط برخی علمای اهل سنت از زبان مأمون عباسی نقل شده است.^۸ برخی دیگر از علمای اهل سنت در بعضی منابع متأخر بر نهج البلاغه این کلام را به حکما نسبت

۱. لیثی واسطی، عبون الحکم و المواعظ، ص ۵۶

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۱۲

۳. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۳

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲

۵. آبی، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۱، ص ۱۳۴

۶. راغب اصفهانی، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، ج ۲، ص ۲۳۹

۷. زمخشری، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ج ۵، ص ۲۴۷

۸. ابومنصور ثعالبی (م. ۴۲۹ق) در کتابهای الإعجاز و الإيجاز (ج ۱، ص ۸۵)، التمثیل المحاضر (ج ۲، ص ۲۱۷) و اللطائف و الظرائف (ص ۱۶۶)، پس از نقل کلماتی از زبان مأمون عباسی می‌نویسد: «قال المأمون: النساء شرّ کلهن، و شر ما فیهن قله الاستغناء عنهن.» بعد از او ابن عبدالبر قرطبی (م. ۴۶۳ق) در کتاب بهجه المجالس (ص ۴۵) همین عبارت را از زبان مأمون نقل می‌کند. ابن أبی الحدید نیز در بخش دیگر از شرح نهج البلاغه (ج ۱۸، ص ۲۰۰)، عبارت کتاب بهجه المجالس را از زبان مأمون عباسی آورده است.

داده‌اند.^۱ در این کار اهل سنت تنها نیستند و شیخ بهایی (م. ۹۵۳ق) نیز در کتاب کشکول خود این حدیث را به نقل از برخی حکما چنین نقل کرده است:

قال بعض الحكماء: المرأة كلها شر و شر ما فيها أنه لا بد منها.^۲

پس باید گفت سند این روایت ضعیف است؛ درست است که این روایت در کتاب شریف نهج البلاغه نقل شده است؛ اما هیچ‌یک از علمای شیعه در طول تاریخ نگفته‌اند که تمام روایات موجود در این کتاب شریف، قطعی‌الصدور هستند و حتماً از امیرمؤمنان ع صادر شده است. بنابراین، اگر روایات موجود در این کتاب، در سایر کتاب‌های شیعه با سند معتبر نقل شده باشد، قابل استناد است و گرنه با آن همان برخوردی می‌شود که با سایر روایات بدون سند شده است.

هرچند که بسیاری از مطالب و روایات این کتاب، از نظر فن بلاغت، قوت کلام و ... در حدی است که ما یقین داریم گوینده آن کسی جز امیرمؤمنان ع کسی دیگری نمی‌تواند باشد. از طرف دیگر، بسیاری از روایات نهج البلاغه، در دیگر کتاب‌های شیعه با سندهای معتبر نقل شده است؛ از جمله خطبه شقشقیه، اما این روایت که امیرمؤمنان ع فرموده باشند: «تمام زن شر است» در کتاب‌های دیگر شیعه نیز با سند نقل نشده است.

مرحله اول: فهم متن حدیث

در این مرحله به فهم مفردات و ترکیبات پرداخته می‌شود تا مراد استعمالی متکلم مشخص شود.

۱- بررسی مفردات

مَرَأَةٌ جامد غیر مصدری ثالثی مجرد از ریشه (م ر ء)

تَأْنِيثُ الْمَرْءِ^۳ مؤنث الرجل^۴

اسم مرء از مَرَأً زن. گوارائی غذا^۵

الف ولام در واژه «المراء»

۱. ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ق) در فتح الباری (ج ۹، ص ۱۳۸) می‌نویسد: و قد قال بعض احکماء: النساء شر کلهن، و شر ما فیهن عدم الاستغناء عنهن. ابوالفتح الأبیسی (م. ۸۵۰ق) در کتاب المستطرف فی کل فن مستظرف (ج ۱، ص ۴۶۴) نیز می‌نویسد: و قال حکیم: النساء شر کلهن، و شر ما فیهن قله الاستغناء عنهن.

۲. بهایی، الکشکول، ج ۱، ص ۲۳۷

۳. الفراهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۹۹

۴. معلوف، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، ج ۱، ص ۷۵۴

۵. مهیار، فرهنگ ابجدی، ص ۸۰۳

مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا وَرَعَ يَعِصُمُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۱

هر کس چهار ویژگی داشته باشد قطعاً به او خیر دنیا و آخرت اعطا شده است و به بهره‌مندی از آن نائل شده است. ... و همسر صالحه که در امر دنیا و آخرت او را یاری کند.

همچنین از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا ع نقل شده است که فرمودند:

مَا أَفَادَ عَبْدٌ عَبْدٌ خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ.^۲

آدمی، سودی بهتر از همسر شایسته به چنگ نیاورده است؛ همسری که شوهرش با دیدن او خوشحال شود و هرگاه از وی دور شود در غیابش نگهبان خود و اموال او باشد.

در حدیث دیگری از پیامبر اکرم ص از نشانه‌های سعادت فرد داشتن همسر شایسته عنوان شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ.^۳

پس وجه جمع دو دسته روایات مرتبط و متعارض آن است که در وجود زن اقتضاء خیر کثیر و شر کثیر به ودیعه نهاده شده است و این اراده و اختیار است که جایگاه نهایی زن را مشخص می‌کند. زن می‌تواند با ایمان و عمل صالح در نقش خیر قرار گیرد یا با کفر و ناسپاسی و فسق نقش شر را برگزیند. این وجه جمع به وسیله آیاتی که چهار زن را به عنوان بهترین و بدترین الگو برای مومنان و کافران معرفی می‌کند تأیید می‌شود. قرآن کریم نمونه مردم بد را با نقل داستان دو زن بد یعنی زن حضرت نوح ع و زن حضرت لوط ع، تبیین می‌کند.^۴

در ادامه قرآن کریم دو نمونه خوب از زنان را نیز به عنوان الگو ذکر می‌کند. اینان زنان با فضیلتی

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷-۳۲۸

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷-۳۲۸

۴. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّائِلِينَ (التحریم: ۱۰)

هستند که خداوند آنها را نمونه و الگوی مردم مؤمن می‌شمارد.^۱

ابتدا خداوند همسر فرعون را مثل آورده است. تعبیر قرآن این نیست که همسر فرعون نمونه زنان خوب است، بلکه می‌فرماید: زن خوب نمونه جامعه اسلامی است و جامعه از این زن الگو می‌گیرد، نه این که فقط زنان باید از او درس بگیرند. مقام ویژه مریم علیها السلام نمونه چهارمی را که قرآن بیان می‌کند حضرت مریم است و چون مقام مریم، بالاتر از مقام زن فرعون بود لذا اینها را یکجا ذکر نکرد، بلکه در دو آیه جدا ذکر فرمود؛ بر خلاف آن دو کافره که در یک آیه ذکر شدند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تعارض ظاهری بسیاری از روایات و اشارات قرآنی با حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه که زن را شر معرفی می‌کند. تحقیق حاضر با عنوان «بررسی فقه الحدیثی حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه در شر بودن زنان» براساس سیر منطقی علم فقه الحدیث به فهم متن و مقصود امیرالمومنین ع از این روایت پرداخته است. با توجه به مصادر اولیه این حدیث و تاریخ وفات نویسندگان این منابع، منبعی کهن‌تر از نهج البلاغه برای این روایت یافت نشد. این روایت ضعیف است و سندی بر آن ذکر نشده است و روایت بدون سند، ارزش استناد ندارد. مفردات حدیث در معنای حقیقی خود بکار رفته‌اند و در مورد الف و لام در المرأة احتمالات مطرح شده بررسی شد و به نظر می‌رسد با توجه به قرائن و شواهد احتمال اینکه الف و لام، الف و لام عهد باشد بیشتر است. در این صورت منظور همه زنان نخواهد بود و زنانی با ویژگی‌های خاص (چون طالح بودن) یا فرد مشخص (مانند عایشه) مدنظر می‌باشد.

با بررسی خانواده حدیث مشخص شد روایت «المرأة شر کلها»، به جای آنکه روایتی در تبیین شرارت تکوینی باشد، هشدار به همه انسان‌ها و خصوصاً مردان در نحوه تعامل با بهترین‌های خلقت است و شر بودن ارتباطی با جنسیت افراد ندارد و هم زنان و هم مردان می‌توانند شر باشند. با بررسی احادیث متعارض مشخص شد که در وجود زن اقتضای خیر کثیر و شر کثیر به ودیعه نهاده شده است و این اراده و اختیار است که جایگاه نهایی زن را مشخص می‌کند.

۱. وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ مِنْهَا الْقَائِنِينَ (التحریم: ۱۱ و ۱۲)

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. أبشيهي، أبو الفتح شهاب الدين، المستطرف في كل فن مستظرف، كتابخانه مدرسه فقاها، بی تا.
- ۲. ابن بابويه، محمد بن علی، من ال يحضره الفقيه، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ ق
- ۳. ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آية المرعشي النجفي، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۴. اديب نطنزی، حسين بن ابراهيم، اردلان جوان، علی، دستور اللغة (كتاب الخلاص)، به نشر، مشهد، ۱۳۸۵
- ۵. الآبي، أبوسعده، نثر الدر في المحاضرات، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق
- ۶. الثعالبي، عبد الملك ابومنصور، الإعجاز و الإيجاز، القاهرة، مكتبة القرآن، بی تا.
- ۷. الثعالبي، عبد الملك ابو منصور، التمثيل و المحاضرة، بی جا، الدار العربية للكتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ق.
- ۸. الثعالبي، عبد الملك ابو منصور، اللطائف و الظرائف، بيروت، دار المناهل، بی تا.
- ۹. النمری القرطبي المالکی، يوسف بن عبدالله، بهجة المجالس و أنس المجالس، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق
- ۱۰. العنكوشی، حوراء عبد الحسين كاظم، پایان نامه «جایگاه زنان در قرآن کریم و نهج البلاغه»، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان.
- ۱۱. براتی، مژگان، پایان نامه «تحلیل و بررسی شخصیت زن در سیره و سخن امام علی ع»، دانشکده اصول الدین
- ۱۲. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران: اسالمی، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۳. بهایی، محمد بن حسین، الکشکول، ۱۴۰۳-۱۹۸۳.. ۳ ج. بيروت - لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش

۱۵. پیروزفر و شرف الدین، سهیلا و زهرا، مقاله علمی «بررسی سندی و متنی حدیث «الناجی من الرجال قليل و من النساء اقل و اقل»»، حدیث پژوهی سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۱۱
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق
۱۷. حمالی، نصرت الله، زن در نهج البلاغه، مهدیه، ۱۳۸۱ش.
۱۸. راغب أصفهانی، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، بی جا، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
۱۹. رسولی، هاشم، و عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ ج. تهران، مكتبة العلمیة الاسلامیة. ۱۳۸۰ق
۲۰. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، بی جا، مؤسسه علمی للمطبوعات، بی تا
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ۱۳۷۰، ۱ ج. قم: الشریف الرضی.
۲۲. طراد، مجید، المعجم المفصل فی المترادفات فی اللغة العربیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹ م
۲۳. طراد، مجید، المعجم المفصل فی المتضادات فی اللغة العربیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۰ م
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة. ۱۴۱۴. ۱ ج. قم - ایران: دار الثقافة.
۲۵. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفة.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ ق
۲۷. فضائلی، نیره، شبهات زن در نهج البلاغه و پاسخ به آن، چاپ و نشر بین الملل، ۱۴۰۱ش.
۲۸. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
۳۰. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ ش

۳۱. مدملی و پیربا، مریم و زهرا، بررسی سندی و محتوایی حدیث «الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا»، فصلنامه علمی علوم حدیث سال بیست و ششم شماره، ۴ پیاپی ۱۰۲ زمستان، ص ۱۱۵ - ۹
۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳۳. مسعودی، عبدالهادی، درسنامه فقه الحدیث، قم: دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۴۰۰ هـ.ش
۳۴. معلوف، لويس، المنجد فی اللغة، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۱ هـ.ش
۳۵. معلوف، لويس، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت: دارالمشرق، ۲۰۰۰ م
۳۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، و مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث. ۱۴۰۸-۱۴۰۹. ۳۰ ج. بیروت - لبنان: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.